

کزارش یک

سعید فرخ‌بخش



سلسله گزارش‌های نقشه راه اقتصاد پویا – ۶

«موانع تولید» دیواری بلندتر از تحریم‌ها

چالش‌های مدیریتی، سیاست‌گذاری‌های ناپایدار و ساختارهای ناکارآمد
رمق تولید ملی را گرفته‌اند؛ تحریم‌های خارجی تنها بخشی از ماجراست

تحریم‌ها پوست اقتصاد را خراش داده‌اند، اما موانع داخلی استخوان تولید را شکسته‌اند. سال‌هاست تحریم‌ها به‌عنوان عامل اصلی مشکلات اقتصادی کشور مان معرفی می‌شوند، اما آنچه تولیدکننده ایرانی را زمین‌گیر کرده است، بیشتر از آن‌که فشار خارجی باشد، زنجیرهای داخلی است. از پیچ‌وخم بوروکراسی گرفته تا نوسانات لحظه‌ای سیاست‌گذاری، از کمبود نقدینگی و تأمین

دیوان سالاری پیچیده و فرساینده، دشمن تولید است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی تولید در کشورمان، دیوان سالاری پیچیده و فرساینده‌ای است که در تمامی سطوح مدیریتی و اجرایی سایه انداخته است. این مشکل به‌ویژه در مراحل صدور مجوزها و نظارت‌ها به وضوح مشهود است. فرایندهای طولانی و سختگیرانه‌ای که برای دریافت مجوزهای مورد نیاز یک واحد تولیدی طی می‌شود، بسیاری از سرمایه‌گذاران را از ادامه کار بازمی‌دارد. در این شرایط، بسیاری از کسانی که قصد ورود به عرصه تولید را دارند، یا تصمیم خود صرف‌نظر می‌کنند یا به دلیل فرایند طولانی، در مسیر فعالیت با مشکلات بزرگی مواجه می‌شوند. این مسئله به‌ویژه برای تولیدکنندگان کوچک و تازه‌وارد بیشتر مشهود است، زیرا این دسته از افراد به‌دنبال راه‌اندازی کسب‌وکار خود هستند و نمی‌توانند برای دریافت مجوزهای مختلف مدت‌های طولانی منتظر بمانند. سختی در مسیرهای اداری برای تأسیس و گسترش واحدهای صنعتی، به‌عنوان یک مانع بزرگ، به‌طور جدی رشد تولید را کند کرده است. در این میان، بسیاری از شرکت‌ها به دلیل پیچیدگی‌های حقوقی و نهادهای تصمیم‌گیرنده متعدد،

مجبور به پرداخت هزینه‌های اضافی و زمان‌های طولانی برای دریافت مجوزهای مختلف می‌شوند. از طرفی، قوانین متناقض و نبود هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف، تولیدکننده را در باتکلیفی قرار می‌دهد و مانع از رشد و توسعه فعالیت‌های تولیدی می‌شود.

سیاست‌گذاری‌های ناپایدار و بی‌ثباتی در تصمیمات اقتصادی

یکی دیگر از مشکلات عمده‌ای که فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان با آن روبه‌رو هستند، سیاست‌گذاری‌های ناپایدار و بی‌ثبات است. تصمیمات ناگهانی و تغییرات مکرر در نرخ ارز، سیاست‌های قیمت‌گذاری دستوری و همچنین تغییرات مداوم در تعرفه‌ها و مالیات‌ها باعث ایجاد یک محیط بی‌ثبات اقتصادی می‌شود. این نوسانات اقتصادی و تصمیمات بی‌موقع نه‌تنها انگیزه‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت را از بین می‌برد، بلکه موجب تضعیف اعتماد عمومی و خصوصی به سیستم اقتصادی کشور می‌شود. برای تولیدکنندگان، پیش‌بینی آینده یک دغدغه اساسی است. تغییرات ناگهانی در سیاست‌ها و نرخ ارز باعث می‌شود آنها از سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت اجتناب کنند، زیرا نمی‌توانند از شرایط اقتصادی پایدار

مواد اولیه تا فرسودگی زیرساخت‌ها، همه دست‌به‌دست‌ها داده‌اند تا چرخ تولید کندتر از همیشه بچرخد. در حالی برخی کارخانه‌ها درگیر تحریم مواد اولیه یا صادرات هستند که گزارش‌ها نشان می‌دهد بخش زیادی از تعطیلی‌ها به دلیل موانع داخلی و تصمیمات ناهماهنگ است. با چنین فضایی، حتی اگر تحریم‌ها بر داشته شود، بدون جراحی ساختاری، تولید همچنان لنگ خواهد زد.

بر خوردار شوند. اگرچه دولت تلاش کرده است با اتخاذ سیاست‌های کنترل تورم و قیمت‌گذاری دستوری، مشکلات تأمین مالی است. تولیدکنندگان برای تأمین مواد اولیه، کیفیت تولید و ایجاد مشکلات جدی در تأمین مواد اولیه شده‌اند، بنابراین تحمیل قیمت‌گذاری دستوری به تولیدکنندگان نه‌تنها فشار اقتصادی بر مردم نمی‌کند، بلکه باعث می‌شود بسیاری از تولیدکنندگان به سمت تعطیلی یا کاهش ظرفیت تولید خود بروند.

کمبود نقدینگی، گلوگاه اصلی تولید

یکی از چالش‌های اساسی در مسیر تولید، کمبود نقدینگی و مشکلات تأمین مالی است. تولیدکنندگان برای تأمین مواد اولیه، خرید تجهیزات و پرداخت هزینه‌های نیروی انسانی به منابع مالی کافی نیاز دارند، اما متأسفانه سیستم بانکی کشور قادر به تأمین این نیازها نیست. نرخ‌های بهره بالا و سیاست‌های سختگیرانه در اعطای تسهیلات، تولیدکنندگان را از دریافت منابع مالی لازم محروم می‌کند. علاوه بر این، بنگاه‌های تولیدی کوچک و متوسط به دلیل عدم دسترسی به خطوط اعتباری مناسب، در شرایط دشواری مالی گرفتار می‌شوند. سعید رضایی، صاحب یک واحد تولیدی کوچک، در

این باره می‌گوید: «ما برای تأمین مواد اولیه و تجهیزات به تسهیلات بانکی نیاز داریم، اما سیستم بانکی به دلیل سیاست‌های غیرمنطقی، این امکان را از ما گرفته است. حتی در مواقعی که تسهیلات به ما تخصیص داده می‌شود، نرخ بهره آن قدر بالاست که در عمل برای تولیدکننده مقرون به‌صرفه نیست.» به گفته این فعال تولیدی، این مشکل به‌ویژه در مقایسه با کشورهای پیشرفته که سیستم‌های مالی‌شان به‌گونه‌ای طراحی شده است که اولویت‌های اقتصادی را به سمت حمایت از تولید سوق می‌دهد، بیشتر نمایان می‌شود. در ایران بیشتر تسهیلات به بنگاه‌های بزرگ تعلق می‌گیرد و بنگاه‌های کوچک و متوسط که بخش عظیمی از اشتغال و تولید کشور را بر دوش دارند، به‌طور جدی از این حمایت‌ها محروم هستند.

زیرساخت‌های ناکارآمد؛ مانع جدی در مسیر تولید

یکی دیگر از موانع عمده سر راه تولید، ضعف زیرساخت‌های حیاتی کشور است به‌ویژه در حوزه‌های انرژی و حمل‌ونقل. مشکلات بسیاری برای تولیدکنندگان وجود دارد. قطعی‌های مکرر برق، گاز و سوخت‌های مورد نیاز واحدهای تولیدی، نه‌تنها باعث توقف تولیدات می‌شود، بلکه هزینه‌های تولید را به‌شدت افزایش می‌دهد. علاوه بر این، کمبود حمل‌ونقل کارآمد در بسیاری از نقاط کشور باعث مشکلات جدی در تأمین مواد اولیه و ارسال محصولات نهایی به بازار می‌شود. رضایی همچنین در این زمینه بیان می‌کند: «ما به‌طور مرتب با قطعی برق مواجه هستیم و این مشکل نه‌تنها باعث توقف تولید می‌شود، بلکه هزینه‌های ما را به‌شدت افزایش می‌دهد. این در حالی است که دیگر کشورها با زیرساخت‌های مناسب خود توانسته‌اند چنین مشکلاتی را مدیریت کنند.» وی می‌افزاید: «این مشکلات زیرساختی علاوه بر افزایش هزینه‌ها، توان رقابت تولیدکنندگان داخلی را در بازارهای جهانی کاهش می‌دهد و آنها را مجبور به پرداخت هزینه‌های اضافی برای استفاده از روش‌های غیررسمی و سوخت‌های جایگزین می‌کند.»

بی‌توجهی به حمایت دولتی از تولید داخلی

یکی دیگر از عواملی که به آسیب‌پذیری تولید در کشور دامن می‌زند، حمایت نکردن‌های کافی از بنگاه‌های تولیدی است. به‌جای اینکه سیاست‌ها به سمت حمایت از تولیدات داخلی و تشویق تولید در داخل کشور متمایل شوند، بیشتر بر واردات و تسهیل تجارت خارجی تمرکز دارند. این وضعیت به‌ویژه در صنایعی که به توان داخلی وابسته‌اند، باعث کاهش رقابت‌پذیری و ضعف تولید ملی می‌شود. بدون سیاست‌های حمایتی و هدفمند، تولیدکنندگان داخلی نمی‌توانند در برابر واردات ارزان قیمت از دیگر کشورها مقاومت کنند. در نتیجه، بسیاری از بنگاه‌های تولیدی با کاهش فروش، کاهش ظرفیت تولید و حتی تعطیلی روبرو می‌شوند.

راهکارهای برون‌رفت از بحران تولید

برای برون‌رفت از این بحران‌ها نیاز به یک رویکرد جامع و اصلاحات ساختاری است. سیاست‌گذاران باید به‌جای تمرکز صرف بر مسائل کوتاه‌مدت، به اصلاحات درازمدت درنده‌های اقتصادی توجه کنند. این اصلاحات باید شامل تسهیل فرایندهای اداری، کاهش بوروکراسی‌های زائد و شفاف‌سازی قوانین باشد. همچنین سیستم بانکی باید به حمایت از بنگاه‌های تولیدی کوچک و متوسط توجه بیشتری داشته باشد و تسهیلات بانکی را با شرایط مناسب‌تری ارائه دهد.

توسعه زیرساخت‌ها و حمایت از تولید ملی

دولت باید به‌طور جدی به توسعه زیرساخت‌ها به‌ویژه در بخش‌های انرژی و حمل‌ونقل بسز دارد و آنها را به‌عنوان اولویت‌های ملی در نظر بگیرد. تقویت این زیرساخت‌ها علاوه بر کاهش هزینه‌های تولید، رقابت‌پذیری صنایع داخلی در بازارهای جهانی را افزایش می‌دهد. همچنین به‌منظور تسهیل فرایندهای اقتصادی، اصلاحات در سیاست‌های اقتصادی و توسعه بخش تولید باید به‌طور جدی در دستور کار دولت قرار گیرد. در نهایت، دولت‌مدان باید به این نکته توجه داشته باشند که برای بهبود وضعیت تولید، نیاز به اصلاحات ساختاری و برنامه‌ریزی بلندمدت است تا مسیر رشد و رونق تولید در کشور هموار شود.

چرا با وجود همه شعارها و سیاست‌ها، وضعیت تولید در کشور همچنان بحرانی است؟

چون بیشتر این شعارها جنبه تبلیغاتی دارد و در عمل، اراده واقعی برای برداشتن موانع ساختاری وجود ندارد. تولید یعنی کار آفرینی، سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی و البته پیش‌بینی‌پذیری. وقتی همه‌چیز در کشور بی‌ثبات است، از قیمت ارز گرفته تا تصمیمات ششانه درباره واردات یا تعرفه‌ها، چطور انتظار داریم تولیدکننده ریسک کند؟ مشکل اصلی مانع امنیت اقتصادی برای تولیدکننده است.

پس شما مشکل را در سیاست‌گذاری می‌تانید یا در اجرا؟

هر دو. سیاست‌گذاری‌ها اغلب با نگاه کوتاه‌مدت و مصلحت‌محور انجام می‌شود. اجرا هم گرفتار دیوان سالاری مزمن و فساد پنهان است. صدور مجوز، دریافت تسهیلات، ثبت سفارش، واردات مواد اولیه، همه این مراحل برای یک تولیدکننده مثل عبور از هفت‌خوان رستم است. وقتی به یک کارآفرین جوان می‌گویید باید از ۹ دستگاه مختلف مجوز بگیرد، چه انگیزه‌ای برای ادامه کار دارد؟

یکی از انتقادهای رایج، همین پیچیدگی مجوزهاست. به‌نظر شما چطور می‌توان این موضوع را حل کرد؟

با یک کلام: تسهیل اختیار. ما باید همه مجوزها را زیر یک سقف ببریم. پنجره واحد کسب‌وکار اگر درست و واقعی پیاده شود، می‌تواند زمان صدور مجوز را از ماه‌ها به چند روز کاهش دهد. متأسفانه الان فقط ظاهر قضیه اصلاح شده، ولی پشت پرده همان روند‌های بوروکراتیک پابرجاست. گاهی حتی پنجره واحد تبدیل به دروازه چندقفل شده است!

از مشکلات نظام بانکی هم زیاد صحبت می‌شود. چرا بانک‌ها نتوانسته‌اند در خدمت تولید قرار بگیرند؟

بانک‌ها در ایران سودشان را نه از تولید بلکه از دلالی و سفته‌بازی به دست می‌آورند. یعنی اگر بخواهند به یک تولیدکننده تسهیلات بدهند، آن قدر ضمانت و وثیقه می‌خواهند که آن فرد عطای وام را به لقایش می‌بخشد. در مقابل، وام‌های کلان بدون ضمانت به افرادی داده می‌شود که صرفاً رابطه دارند. این نظام بانکی بیمار، نه تنها حامی تولید نیست، بلکه خودش یک مانع جدی است.

نقش دولت در اصلاح این روند را چگونه می‌بینید؟ آیا راه‌های برای تغییر وجود دارد؟

اگر بخواهم خوشبینانه جواب دهم، می‌گویم بله، ولی واقعیت این است که اراده قوی و هماهنگ وجود ندارد. هر روز تخانه‌ساز خودش را می‌زند. حتی گاهی یک مصوبه خوب از سوی یک نهاد دیگر بی‌اثر می‌شود. مشکل اینجاست که تولید در اولویت سیاست‌های اقتصادی ما نیست، در حالی که اگر ما تولید را محور همه تصمیم‌گیری‌ها قرار دهیم، بسیاری از مشکلات دیگر هم حل خواهد شد.

در مورد زیرساخت‌ها مثل انرژی و حمل‌ونقل هم مشکلات زیادی گزارش شده. چقدر این موضوع تولید را زمین‌گیر کرده است؟

اگر بخواهم خوشبینانه جواب دهم، می‌گویم بله، ولی واقعیت این است که اراده قوی و هماهنگ وجود ندارد. هر روز تخانه‌ساز خودش را می‌زند. حتی گاهی یک مصوبه خوب از سوی یک نهاد دیگر بی‌اثر می‌شود. مشکل اینجاست که تولید در اولویت سیاست‌های اقتصادی ما نیست، در حالی که اگر ما تولید را محور همه تصمیم‌گیری‌ها قرار دهیم، بسیاری از مشکلات دیگر هم حل خواهد شد.

گزارش‌های رسمی، تولید داخلی دام سبک و سنگین با کاهش محسوس مواجه بوده و بسیاری از دامداران به‌دلیل نبود صرفه اقتصادی، اقدام به کشتار دام مولد کرده‌اند. دامداران در استان‌های خراسان، کرمانشاه، فارس و ایلام که به‌عنوان قطب‌های دامداری کشور شناخته می‌شوند، از کاهش شدید قیمت خرید دام زنده خبر می‌دهند. یکی از دامداران منطقه شمال فارس در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: «افزایش واردات نه‌تنها قیمت دام داخلی را پایین آورده، بلکه باعث شده است هیچ چشم‌اندازی برای ادامه فعالیت نداشته باشیم. ما مجبوریم دام مولد را بفروشیم تا بتوانیم هزینه‌های روزمره‌مان را تأمین کنیم.»

این در حالی است که کارشناسان اقتصادی معتقدند تمرکز دولت بر واردات، به جای حمایت از تولید داخلی، گزارش‌های رسمی، تولید داخلی دام سبک و سنگین با کاهش محسوس مواجه بوده و بسیاری از دامداران به‌دلیل نبود صرفه اقتصادی، اقدام به کشتار دام مولد کرده‌اند. دامداران در استان‌های خراسان، کرمانشاه، فارس و ایلام که به‌عنوان قطب‌های دامداری کشور شناخته می‌شوند، از کاهش شدید قیمت خرید دام زنده خبر می‌دهند. یکی از دامداران منطقه شمال فارس در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: «افزایش واردات نه‌تنها قیمت دام داخلی را پایین آورده، بلکه باعث شده است هیچ چشم‌اندازی برای ادامه فعالیت نداشته باشیم. ما مجبوریم دام مولد را بفروشیم تا بتوانیم هزینه‌های روزمره‌مان را تأمین کنیم.»

این در حالی است که کارشناسان اقتصادی معتقدند تمرکز دولت بر واردات، به جای حمایت از تولید داخلی، گزارش‌های رسمی، تولید داخلی دام سبک و سنگین با کاهش محسوس مواجه بوده و بسیاری از دامداران به‌دلیل نبود صرفه اقتصادی، اقدام به کشتار دام مولد کرده‌اند. دامداران در استان‌های خراسان، کرمانشاه، فارس و ایلام که به‌عنوان قطب‌های دامداری کشور شناخته می‌شوند، از کاهش شدید قیمت خرید دام زنده خبر می‌دهند. یکی از دامداران منطقه شمال فارس در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: «افزایش واردات نه‌تنها قیمت دام داخلی را پایین آورده، بلکه باعث شده است هیچ چشم‌اندازی برای ادامه فعالیت نداشته باشیم. ما مجبوریم دام مولد را بفروشیم تا بتوانیم هزینه‌های روزمره‌مان را تأمین کنیم.»

این در حالی است که کارشناسان اقتصادی معتقدند تمرکز دولت بر واردات، به جای حمایت از تولید داخلی، گزارش‌های رسمی، تولید داخلی دام سبک و سنگین با کاهش محسوس مواجه بوده و بسیاری از دامداران به‌دلیل نبود صرفه اقتصادی، اقدام به کشتار دام مولد کرده‌اند. دامداران در استان‌های خراسان، کرمانشاه، فارس و ایلام که به‌عنوان قطب‌های دامداری کشور شناخته می‌شوند، از کاهش شدید قیمت خرید دام زنده خبر می‌دهند. یکی از دامداران منطقه شمال فارس در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: «افزایش واردات نه‌تنها قیمت دام داخلی را پایین آورده، بلکه باعث شده است هیچ چشم‌اندازی برای ادامه فعالیت نداشته باشیم. ما مجبوریم دام مولد را بفروشیم تا بتوانیم هزینه‌های روزمره‌مان را تأمین کنیم.»

گفت‌وگوی «جوان» با سامان طاهری اقتصاددان درباره راهکارهای واقعی حمایت از تولیدکنندگان:

بانک‌ها با سفته‌بازی و دلالی راحت‌ترند تا تولید!

در شرایطی که شعار حمایت از تولید، سال‌هاست نقل محافل دولتی و رسانه‌ای شده است، فعالان اقتصادی هنوز با موانعی روبه‌رو هستند که بعضاً آنها را تا مرز انصراف از ادامه فعالیت می‌برد. قوانین متناقض، تغییرات ناگهانی در سیاست‌های ارزی و مالیاتی، قطعی‌های مکرر برق و نبود زیرساخت، تنها بخشی از چالش‌های تولیدکنندگان است. در گفت‌وگوی چالشی با سامان طاهری، اقتصاددان و مشاور توسعه صنعتی، بررسی دلایل عقب‌ماندگی سیاست‌های حمایتی از تولید و راه‌های برون‌رفت از این وضعیت پرداخته ایم.

خیلی زیاد. تصور کنید کارخانه‌ای که هر هفته چند ساعت با قطعی برق مواجه می‌شود، چطور می‌خواهد برنامه‌ریزی کند؟ یا وقتی هزینه حمل‌مواد اولیه از بندر تا کارخانه، بیشتر از قیمت خود کالا می‌شود، آیا می‌توان انتظار بهره‌وری داشت؟ ما نیاز به یک بازنگری اساسی در سیاست‌های زیرساختی داریم. انرژی باید قابل پیش‌بینی، ارزان و پایدار باشد. حمل‌ونقل هم باید هوشمند، منسجم و متناسب با نیازهای صنعتی طراحی شود.

به موضوع حمایت‌های دولتی اشاره کردید. برخی کارشناسان می‌گویند یارانه دادن راه حل نیست. شما چه نظری دارید؟

من هم با یارانه‌گر مخالفم، اما حمایت هدفمند، ضروری است. برای مثال، اگر به واحدهای تولیدی نوپا تخفیف در مالیات و بیمه داده شود، با اولویت در تأمین انرژی داشته باشند، این حمایت مؤثرمند است. با اگر دولت در زمان کمبود مواد اولیه، با ارز ترجیحی برای واردات این مواد

بانک‌ها در ایران سودشان را نه از تولید بلکه از دلالی و سفته‌بازی به دست می‌آورند. یعنی اگر بخواهند به یک تولیدکننده تسهیلات بدهند، آن قدر ضمانت و وثیقه می‌خواهند که آن فرد عطای وام را به لقایش می‌بخشد

به تولیدکننده کمک کند، این حمایت مؤثر است، ولی اینکه به همه یکسان یارانه بدهیم، فقط موجب رانت و فساد می‌شود. چقدر از این مسائل را می‌توان با اصلاح قانون حل کرد و چقدر نیاز به تغییر نگاه داریم؟

هر دو لازم است. اصلاح قانون باید به گونه‌ای باشد که شفاف، ساده و قابل اجرا باشد. مثلاً قوانین مالیاتی باید طوری طراحی شوند که مشوق تولید باشند نه مانع آن. اما مهم‌تر از قانون، نگاه تصمیم‌گیران است. وقتی یک مدیر دولتی نگاهش این است که واردات راحت‌تر است و تولید داخلی دردرس دارد، این فرهنگ به کل بدنه دولت منتقل می‌شود.

اگر فقط سه پیشنهاد بخواهیم راهکار فوری برای بهبود وضعیت تولید از دید شما چیست؟

اول: اصلاح واقعی پنجره واحد کسب‌وکار و حذف بوروکراسی زائد. دوم: بازنگری جدی در نظام بانکی برای تسهیل تأمین مالی تولید. سوم: برنامه‌ریزی ملی برای تقویت زیرساخت‌های انرژی و حمل‌ونقل با محوریت تولید.

آیا هنوز به بهبود اوضاع امیدوارید؟

امید دارم، اما مشروط. اگر نسل جدید مدیران با جسارت، دانش و صداقت در میدان شوند، قطعاً می‌توانیم شرایط را تغییر دهیم. ایران پتانسیل زیادی دارد، ولی باید بندهای دستوپای تولید را باز کنیم.



منجر به وابستگی بیشتر به بازارهای خارجی می‌شود. آنها پیشنهاد می‌کنند بخشی از ارز تخصیصی به واردات، به شکل یارانه مستقیم به دامداران پرداخت شود تا علاوه بر کاهش هزینه‌های تولید، انگیزه ادامه فعالیت در این حوزه تقویت شود. از سوی دیگر، واگذاری عمده مجوزهای واردات گوشت به تعداد محدودی از شرکت‌ها، نگرانی‌های جدی درباره انحصار و ایجاد رانت اقتصادی در بازار به‌وجود آورده است. بر اساس گزارش‌های غیررسمی، تنها دو یا سه شرکت بخش اعظم مجوزهای واردات گوشت را در اختیار داشته‌اند که این مسئله به‌طور طبیعی رقابت سالم در بازار را مختل می‌کند و پهای تمام‌شده را برای مصرف‌کننده نهایی افزایش می‌دهد.

پول واردات گوشت خرج نهاده و اصلاح نژاد نشد

به گفته کارشناسان، اگر نیمی از بودجه واردات گوشت صرف تأمین نهاده داخلی، اصلاح نژاد و توسعه کشت علوفه می‌شد، کشور نه‌تنها نیاز به واردات نداشت، بلکه می‌توانست صادرکننده باشد

متعادل سازی بازار نداشت.

واردات به نفع چه کسانی بود؟

بررسی سازوکار واردات گوشت در سال گذشته، نشان دهنده تمرکز مجوزها در دست چند شرکت خاص است. به‌دلیل ساختار فنی و بهداشتی سختگیرانه واردات از کالاتظیر مجوز قرنطینه، تأییدات دامپزشکی، زنجیره سرد، حمل تخصصی و... تنها تعداد محدودی از واردکنندگان امکان حضور در این بازار را دارند. همین مسئله، به‌صورت عملی انحصار ایجاد کرده است؛ موضوعی که در توییت صریح داود منظور نیز مورد تأکید قرار گرفت.

در عمل رانت ناشی از تفاوت نرخ ارز و قیمت نهایی گوشت وارداتی به سود این گروه کوچک واردکننده سرازیر شد. حتی برخی منابع از فروش حواله‌های وارداتی در بازار آزاد و سودهای چندبرابری خبر داده‌اند؛ سودهایی که نه سهم دامدار بود و نه سفره مردم.

دامدار ایرانی قربانی تصمیمات ارزی

در همان زمانی که ارز ترجیحی برای واردات گوشت تخصیص می‌یافت، دامداران داخلی برای تأمین نهاده‌های دامی با بحران روبه‌رو بودند. گزارش‌ها از استان‌های کرمانشاه، خراسان، فارس و آذربایجان نشان می‌دهد که دام‌زنده به قیمت‌هایی پایین‌تر از هزینه تمام‌شده از دامدار خریداری می‌شد. در نتیجه، دامدار نه‌تنها سودی نداشت، بلکه انگیزه برای نگهداری یا افزایش ظرفیت تولید را از دست داد. برخی

سیاست واردات گوشت قرمز در سال گذشته، به‌عنوان راه‌حلی برای کنترل بازار، حالا به یکی از چالش‌های مهم اقتصادی پیش‌روی دولت چهاردهم تبدیل شده است. آمارها نشان می‌دهد میزان واردات گوشت در سال ۱۴۰۲ با جهشی کم‌سابقه به بیش از ۱/۳ میلیارد دلار رسید؛ رقمی که رکورد ۱۴ سال گذشته را شکست در شرایطی که دامدار ایرانی با تورم بالا و گرانی نهاده‌های دامی مواجه بود، واردات گسترده‌بسیار ارز ترجیحی نه‌تنها منجر به کاهش قیمت برای مصرف‌کننده نشد، بلکه با ایجاد رانت انحصاری، تولید داخلی را به حاشیه راند. داود منظور، رئیس وقت سازمان پرناهم و بودجه، در تویییت صریح هشدار داده بود: «سیاست کنترل قیمت گوشت از طریق افزایش واردات، بیش از آنکه به نفع مصرف‌کننده باشد، تأمین‌کننده رانت برای دو یا سه واردکننده انحصاری است.»

دامداران ایرانی قربانی تصمیمات ارزی

در سال‌های گذشته، دامداران داخلی برای تأمین نهاده‌های دامی با بحران روبه‌رو بودند. گزارش‌ها از استان‌های کرمانشاه، خراسان، فارس و آذربایجان نشان می‌دهد که دام‌زنده به قیمت‌هایی پایین‌تر از هزینه تمام‌شده از دامدار خریداری می‌شد. در نتیجه، دامدار نه‌تنها سودی نداشت، بلکه انگیزه برای نگهداری یا افزایش ظرفیت تولید را از دست داد. برخی